

آیت‌الله خامنه‌ای؛ نگران "روحانیت و خود"، و نه نگران "مردم"

آیت‌الله خامنه‌ای بیش از ۲۵ سال است که زمامداری مادام‌العمر ایران را در دست دارد. پیش از انقلاب با محافل روشنفکری آن دوره در ارتباط بود، رمان هم زیاد می‌خواند و می‌خواند. اهل شعر و ادبیات و سینما هم بوده و هست.

این متغیرها باید موجب رواداری فرهنگی در او می‌شد. چرا؟ فقط به یکی از همین متغیرها- یعنی رمان- توجه کنید. یورگن هابرماس در پایان نامه تحصیلی خود- کتاب *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی*- نقش کلیدی رمان در ساختن "قلمرو عمومی" در اروپا را بازگو کرده است.

ریچارد رورتی نیز در مقاله بلندی به نقش مهم رمان در اصلاحات اجتماعی و ساختن دموکراسی پرداخته و آرزو می‌کند که کاش رهبران سیاسی به جای کتاب‌های ایدئولوژیک، رمان می‌خواندند.

اما گویی رمان خوانی در آیت‌الله خامنه‌ای نقش معکوس بازی کرده است. در همان آغاز به دست گرفتن رهبری، بحث "تهاجم فرهنگی غرب" را مطرح کرد. سپس این اصطلاح را به اصطلاح "شبیخون فرهنگی غرب" تبدیل کرد. در گام بعد از "ناتوی فرهنگی غرب" سخن گفت، یعنی دولت‌های غربی، سازمانی شبیه سازمان نظامی ناتو ساخته اند که در قلمرو فرهنگ فعالیت کرده و به دنبال سلطه فرهنگی بر کل جهان است.

دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی را از این جهت نمی‌پسندید، اما از دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی به شدت ناراحت بود. دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد که آغاز شد، او خشنود بود که "قطار انقلاب به ریل‌های خود بازگشت" و نیروهای مومن و انقلابی کارها را به دست گرفته اند. اما در اواخر کار، مسأله "گروه انحرافی" مطرح شد.

سرکوب‌های پس از "جنبش انتخاباتی سبز"، جایگزین کردن نیروهای خودی مرید رهبری در همه نهادهای فرهنگی در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد - از جمله افزودن بیش از ۲۴ هزار نیروی جدید به هیأت علمی دانشگاه‌ها(رجوع شود به مقاله "[نظامی کردن دانشگاه و تلاش برای سلطه کامل خودی‌ها بر آن](#)")- و بودجه‌های عظیم دولتی برای نهادهای فرهنگی و مذهبی، باید خیال او را راحت می‌کرد. اما چنین نشد.

حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ۲۴ خرداد ۹۲ انتخاب شد. شعارها و وعده‌های انتخاباتی روحانی - خصوصاً در قلمرو فرهنگ- مقبول خامنه‌ای نبود. به همین دلیل، نزاع فرهنگی آن دو علنی شد (رجوع شود به مقاله "[ایران: رویارویی فرهنگی خامنه‌ای و روحانی](#)").

نگرانی‌های فرهنگی علنی نشده خامنه‌ای

مجتبی ذوالنور- جانشین سابق نماینده ولی فقیه در سپاه و مشاور فعلی وی- در ۳ دی ۱۳۹۳ در مصاحبه با خبرگزاری فارس خبر داده که فقط بخشی از نگرانی های آیت الله خامنه ای از سیاست های فرهنگی حسن روحانی علنی شده و بخش مهمی از آنها به طور غیر علنی پیگیری شده است. او گفته است:

"رویکرد فرهنگی دولت تدبیر و امید، موضوعی است که بارها باعث نگرانی مقام معظم رهبری شده، برخی از نگرانی ها به صورت عمومی منعکس شده و برخی نیز تاکنون رسانه‌ای نشده است و شاهد نگرانی مقام معظم رهبری در خصوص مقوله فرهنگی دولت فعلی بوده‌ایم".

آیت الله خامنه ای نگران وضعیت "فرهنگ دینی" است، اما "اصحاب دولت یا مقصود رهبر معظم انقلاب در فرهنگ را نمی فهمند و یا اگر می فهمند تعدا بر خلاف آن اقدام می کنند".

به گفته ذوالنور، خامنه ای و نیروهای مومن انقلابی، "خشت بنای حرکت فرهنگی این دولت را کج می بینند". این امر معلول سه علت است. اول- فرهنگ تساهل و تسامح. دوم- نفاق دولت روحانی: دولت دارای باطن اومانیستی و سکولاریستی و ظاهر دینی است. سوم- به نعل و میخ زدن: انقلابی و ارزشی نمایان شدن ظاهری، و کوشش جهت بسط پایگاه اجتماعی در میان دگراندیشان.

می گوید، تهاجم فرهنگی خارجی ها وجود دارد، اما "گاهی شاهد هستیم که از درون خود دولت به نظام حمله‌ای صورت می‌گیرد و ارزش‌ها را نشانه می‌گیرد، و از امکانات مردم و نظام علیه باورهای دینی مردم استفاده می‌شود". جامعه مذهبی نگران سیاست های غلط و منافقانه دولت در زمینه امر به معروف، گشت های ارشاد، کتاب، سینما، تئاتر، فیلم و غیره است. صدور مجوز نمایش به فیلم ضد دینی و ضد ملی "خانه پدری" یکی از این موارد است.

باج های دولت روحانی به تمایلات خامنه ای

چرا آیت الله خامنه ای تا این اندازه ناراحت است که نیروهای منصوب به او به طور علنی دولت را منافق، دو رو، ضد ارزش، ضد دین، سکولار و اومانیست می خوانند که باید به مقابله با آن پرداخت؟ مگر دولت روحانی چه کرده است؟

دولت در شرایطی که قیمت نفت به نیم کاهش یافته و ایران تحت شدیدترین تحریم های طول تاریخ قرار دارد، و در شرایطی که دولت قادر به تأمین نیازهای ضروری مردم و پرداخت یارانه های نقدی نیست، بودجه عظیمی را به خواست های به اصطلاح فرهنگی و دینی خامنه ای اختصاص داده است.

در بودجه پیشنهادی سال ۹۴ دولت به مجلس شورای اسلامی، صدها میلیارد تومان برای این حوزه ها در نظر گرفته شده است. آیا نهادهای وابسته به او، با حداقل دو هزار میلیارد تومان بودجه دولتی قادر به ترویج فرهنگ دینی و انقلابی نیستند؟ اگر با این بودجه های عظیم و آن همه نیرو توان مقابله با "شبیخون فرهنگی" "ناتوی فرهنگی غرب" را ندارند، از چه و که گلایه می کنند؟

حوزه های علمیه دینی

روحانیت شیعه همیشه با افتخار مدعی بود که از نظر مالی "مستقل" از دولت ها بوده و مردم نیازهای مالی آنان را تأمین می کنند. اما روحانیت اهل تسنن وابسته به دولت ها هستند. به همین لحاظ ، روحانیت شیعی انقلابی و علیه دولت ها بوده و روحانیت اهل تسنن توجیه گر حکومت های ظالم.

آیت الله خامنه ای حوزه های علمیه را کاملاً دولتی/حکومتی ساخت تا از طریق "روحانیت درباری" قدرت مطلقه ولی فقیه را توجیه کند و همه شبانه روز مجیزگوی "رهبر معظم و فرزانه انقلاب" باشند و از خردمندی و مدیریت بی همتای جهانی او سخن بگویند(رجوع شود به مقاله "[آخوند حکومتی و ارزش دلاری رهبری](#)"). به بودجه دولتی پیشنهادی حسن روحانی برای سال آینده حوزه ها بنگرید و به این پرسش پاسخ گوئید: آیا دریافت این مبالغ کلان جایی برای استقلال حوزه ها باقی می گذارد؟

الف- شورای عالی حوزه های علمیه (۲۸۳ میلیارد تومان)

ب- شورای برنامه ریزی مدیریت حوزه های علمیه خراسان (۴۲ میلیارد تومان)

پ- مرکز خدمات حوزه علمیه (۵۰۰ میلیارد تومان)

ت- شورای سیاستگذاری حوزه های علمیه خاوران (۱۵۲ میلیارد تومان)

ث- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (۹۰ میلیارد تومان)

ج- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی متعلق به آیت الله مصباح یزدی (۱۴ میلیارد تومان)

چ- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۹ میلیارد تومان)

ح- کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (۶ میلیارد تومان)

بدین ترتیب، یک هزار و ۹۶ میلیارد تومان از بودجه سال آینده به طور مستقیم به حوزه های علمیه دینی اختصاص یافته است.

نهادهای شبه حوزوی

جمهوری اسلامی نهادهای جدیدی تأسیس کرده که اگر چه حوزوی به شمار نمی روند، اما حوزوی بوده و تحت نظر مستقیم آیت الله خامنه ای اداره می شوند. به بودجه دولتی این نهادها بنگرید:

الف- شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی (۲۸ میلیارد تومان)

ب- کمک به بنیاد بین المللی فرهنگی- هنری امام رضا (۵ میلیارد تومان)

پ- مجمع جهانی اهل بیت (۳۳ میلیارد تومان)

ت- مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی (۲۴ میلیارد تومان)

ث- دانشگاه اهل بیت (۲ میلیارد تومان)

ج- دانشگاه مذاهب اسلامی (۸,۶ میلیارد تومان)

چ- سازمان تبلیغات اسلامی (۲۶۰ میلیارد تومان)

بدین ترتیب، ۳۳۶,۶ میلیارد تومان هم به نهادهای شبه حوزوی تحت نظر آیت‌الله خامنه‌ای اختصاص یافته است. نهادهای حوزوی و شبه حوزوی، جمعاً ۱۴۳۲,۶ میلیارد تومان از بودجه را به خود اختصاص داده‌اند.

همه این نهادها تحت امر مستقیم آیت‌الله خامنه‌ای اداره می‌شوند. مسئولان همه آنها روحانیون منصوب یا مورد تأیید ولی فقیه هستند. پس آیت‌الله خامنه‌ای در این موارد نباید نگران باشد، اگر روحانیت به تنهایی یک هزار و ۴۳۳ میلیارد تومان از بودجه دولتی متعلق به مردم بیچاره را هزینه کرده و "فرهنگ ساز" نیست، ربطی به دولت منافق حسن روحانی ندارد.

اگر حسن روحانی باید مورد انتقاد قرار گیرد، انتقاد درست این است که چرا این مبالغ عظیم را در این شرایط بحرانی به امور غیر توسعه‌ای اختصاص داده است؟ هر ریالی در این شرایط کمرشکن باید صرف توسعه کشور شود، نه هزینه روحانیتی که اگر مانع نباشد، تسهیل‌کننده نیست. این بودجه‌ها همراه با فسادهای بزرگ هستند.

یک نمونه از این گونه فعالیت‌های آغشته به فساد، بودجه ۵۲ میلیارد تومانی "موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی" بوده که فسادهای آن آشکار است (رجوع شود به مقاله "[آیت‌الله خمینی، اسطوره فاقد پیرو](#)").

نهادهای دانشگاهی تحت نظر ولی فقیه

در جمهوری اسلامی نهادهایی تأسیس شده‌اند که کار آنها مربوط به دانشگاه هاست و تحت نظر آیت‌الله خامنه‌ای فعالیت می‌کنند. بودجه این نهادها را هم باید در نظر گرفت. برخی از آنها به قرار زیرند:

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها (۱۰۰ میلیارد تومان)

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۴۲ میلیارد تومان)

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و اسلامی (۲۲ میلیارد تومان)

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (۴ میلیارد تومان)

این چهار نهاد جمعاً ۱۶۸ میلیارد تومان را به خود اختصاص داده‌اند. میزان بودجه بسیج دانشجویی که از طریق سازمان بسیج تأمین می‌شود، روشن نیست که باید بر اینها افزوده شود.

مساجد و...

کلیه مساجد تحت نظر نهاد منصوب رهبری فعالیت می کنند. سازمان های نظامی هم همین وضع را دارند. از این جهت هم آیت الله خامنه ای نباید نگران باشد. به دو نمونه زیر بنگرید:

کمک به ستاد عالی کانون های فرهنگی و هنری مساجد (۵۱ میلیارد تومان)

بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس (۳۳ میلیارد تومان)

۸۴ میلیارد تومان نیز صرف فعالیت های فرهنگی مقبول رهبری خواهد شد.

حج و زیارت و اوقاف

این نهادها هم تحت نظر ولی فقیه مدیریت می شوند. بودجه دولتی آنها ۹۷ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است:

سازمان اوقاف و امور خیریه ۹۴ میلیارد تومان

سازمان حج و زیارت ۳ میلیارد تومان

صدا و سیما

صدا و سیما جمهوری اسلامی هم تحت نظر مستقیم آیت الله خامنه ای اداره می شود. این سازمان همه ساله بودجه عظیمی را هزینه کرده و می کند. این دستگاه بزرگ چرا نتوانسته است اهداف آیت الله خامنه ای در بسط "فرهنگ دینی" را تحقق بخشد؟

در بودجه سال آینده، فقط برای "رسیدگی به شکایات قوا از صدا و سیما" (مربوط به "[شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران](#)")، ۱۶ پرونده در نظر گرفته شده و برای رسیدگی به هر پرونده، ۷۵ میلیون تومان اختصاص داده شده و در نهایت یک میلیارد و دویست میلیون لحاظ شده است.

یک میلیارد تومان هم برای "۳۷۵ هزار ساعت نظارت و تحلیل محتوای برنامه های صدا و سیما" در نظر گرفته شده است. این ولخرجی ها هیچ ربطی به بودجه صدا و سیما ندارد که مستقل از شورای نظارت است.

خامنه ای نگران چیست؟

میلیون ها تن از مردم ایران در زیر خط فقر و فقر مطلق به سر می برند. بودجه سالانه جمهوری اسلامی، بودجه نویسی حرفه ای برای توسعه کشور و کمک به اقشار آسیب پذیر برای بیرون آمدن از "سیاه چاله فقر و فلاکت" نیست. باج گیری صدها نهاد و شخص است. بسیاری از نهادها مدعی فعالیت های دینی و فرهنگی هستند.

آیت‌الله مصباح یزدی چه فرهنگی تولید کرده که حداقل سالیانه فقط از بودجه رسمی کشور ۱۰ میلیارد تومان دریافت می‌کند و در بودجه سال آینده به ۱۴ میلیارد تومان افزایش یافته است؟

چرا در بودجه سال آینده بیش از دو میلیارد تومان به "بنیاد حکمت اسلامی صدر" آیت‌الله محمد خامنه‌ای، برادر آیت‌الله علی خامنه‌ای، اختصاص یافته است؟ آیا با متافیزیک صدرایی می‌توان سخنی برای عرضه در جهان فلسفه داشت؟

مگر حوزه های علمیه و روحانیت جز "رشد سرطانی فقه" - یعنی برساخته های اعراب پیش از اسلام - کار دیگری انجام داده و می دهند؟ آیا تحمیل سبک زندگی اعراب پیش از اسلام این همه هزینه لازم دارد؟ استقلال ادعایی روحانیت شیعه چگونه دود شد و به هوا رفت؟ مردمی بودن روحانیت و اتکای مالی به مردم چگونه ذوب شد؟

با فقه و دیگر محصولات حوزه های علمیه نمی توان وارد رقابت با اندیشه تجدد و نظام اجتماعی آن شد. فقیهان باستان شناسانی هستند که تخصص اصلی آنان شناسایی سبک زندگی اعراب پیش از اسلام است. با این تفاوت که باستان شناسان در پی تحمیل دوران گذشته به دوران کنونی نبوده و نیستند، اما باستان شناسان روحانی ما چنین می کنند (رجوع شود به مقاله "[برتری معرفتی و اخلاقی نا فقیه بودن](#)").

جنگ بر سر منابع کمیاب قدرت/ثروت/معرفت/منزلت اجتماعی است. دین خواهی آیت الله خامنه ای و مریدانش لباسی است که بر تن این منافع می پوشانند. اسلام هم برای روحانیت قدرت و ثروت آورده است (رجوع شود به مقاله "[اسلام درآمدزا](#)" و "[قدرت ساز](#)"، [معجزه ی فقیهان](#)"). برخی از اعضای روحانیت به خوبی نشان داده اند که این صنف چگونه پول هایی را که به نام امام زمان از مردم می ستاند، با کلاهبرداری از آن خود و نواده های خود می کند (رجوع شود به مقاله "[حیله های شرعی و اختلاس آخوندی](#)").

در جمهوری اسلامی منابع کمیاب قدرت/ثروت/معرفت/منزلت اجتماعی در اختیار روحانیت و نیروهای خودی قرار می گیرد و مردم باید شرایط بسیار سخت اقتصادی را تحمل کنند. مجلس نه تنها باج دهی بودجه ای دولت به روحانیت و خودی ها را اصلاح نخواهد کرد، بلکه آن را افزایش هم خواهد داد.

منبع: رادیو فردا، ۱۳۹۳/۱۰/۰۶